

مناطق آزاد ایران، تجربه‌ای ناکام و ضرورت بازنگری اساسی

قسمت اول

نویسنده: سعید فتح‌اللهی

زعم نگارنده نه تنها گره‌های نگشوده، بلکه گره‌های جدیدی بر توسعه نیافتگی کشور افزوده است - سامان یابد و رسالت راستین خود را که حرکت در جهت رونق تولید، صنعت، سرمایه‌گذاری، صادرات و ایجاد اشتغال است، به انجام رساند.

۱. تعریف مناطق آزاد

برای معرفی مناطق آزاد از اصطلاحاتی چون منطقه پردازش صادرات، منطقه تجارت خارجی و سایر واژه‌ها استفاده می‌شود. هر چند تعریف جامعی از منطقه آزاد وجود ندارد، ولی به نظر می‌رسد تعریف بانک جهانی نسبتاً کامل باشد. این تعریف به قرار زیر است:

(منطقه آزاد تجاری، قلمرو معینی است که غالباً در محدوده داخلی یک بندر یا در مجاورت آن قرار گرفته و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده است. چنانچه کالاها را می‌توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از این مناطق صادر کرد یا به این مناطق وارد نمود و آنها را برای مدتی در انبار ذخیره و در صورت لزوم بسته‌بندی و مجدداً صادر کرد. کالاهایی که از منطقه آزاد تجاری به کشور میزبان وارد می‌شوند، حقوق و عوارض گمرکی مقرر را می‌پردازند. مناطق پردازش صادرات علاوه بر تسهیلات فوق،

ابنیه و خدمات مورد نیاز جهت تولید، تبدیل مواد خام و کالاهای واسطه‌ای وارداتی به محصولات نهایی را به هدف صدور آنها و برخی اوقات جهت فروش در بازار داخلی به شرط پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معمول فراهم می‌نمایند. از این جهت منطقه آزاد پردازش صادرات ناحیه صنعتی ویژه‌ای است که تولیدات آن جهت‌گیری صادراتی دارند. تسهیلات این مناطق جهت جلب سرمایه‌گذاران خارجی و تسهیل استقرار آنهاست و معمولاً با مشوقهای دیگری نیز همراه است^۱. پس همان طور که از تعریف سازمان ملل برای مناطق آزاد مشخص می‌گردد: منطقه آزاد، منطقه‌ای از قلمرو کشور است که خارج از محدوده فیزیکی و قانونی و اداری تأسیسات گمرکی قرار دارد، به طوری که ورود و خروج سرمایه و سود آن و به جا به جایی نیروی کار متخصص در منطقه به سهولت صورت می‌گیرد و کالاها و مواد خارجی که منع قانونی نداشته باشد را می‌توان بدون هرگونه مانع گمرکی، ترانزیت در انبارهای آن نگاهداری کرد و یا در کارخانه‌های مستقر در آن تغییر شکل داده و به کالاهای دیگر تبدیل کرد. این گونه تولیدات بیشتر به منظور صادرات تولید گشته و در صورتی که به کشور

مقدمه

با توجه به اینکه ریاست محترم جمهوری کمیسیونی به ریاست دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد را مأمور ارائه گزارش عملکرد گذشته و راهکارهای لازم برای آینده در قالب برنامه‌ای دو ساله کرده‌اند، نگارنده لازم دید تا در چارچوب این مقاله به تجربه مناطق آزاد در ایران، ضعفها و ارائه راه‌حلها و اصلاح آن بپردازد. در بخش اول این مقاله به تعاریف، مبنای تئوریک، اهداف و تجربه‌های جهانی مناطق آزاد اشاره می‌گردد و پس از آن در بخش دوم به روند ایجاد مناطق آزاد در ایران، ارزیابی عملکرد گذشته و وضعیت موجود و در نهایت ارائه انتقادات و پیشنهادها پرداخته خواهد شد.

امید است در سایه اراده و درایت مسئولین کشور، مناطق آزاد که به حق می‌تواند گره بسیاری از مقوله توسعه نیافتگی کشور را بگشاید - ولی متأسفانه در طول پنج سال گذشته، به

میزبان وارد کردند مشمول مقررات و قوانین گمرکی آن خواهد شد. با این حال ذخیره‌سازی قبلی مواد، قطعات و کالاها به قصد ورود به کشور میزبان، تحویل سفارشات داخلی را امکان‌پذیر می‌سازد و همزمان به دلیل سرعت عمل در هزینه‌های واردات و تولید، صرفه‌جویی می‌شود. فعالیت در این مناطق از امتیازات ویژه‌ای چون معافیت‌های مالیاتی بر عملیات تولید و بازرگانی، دستمزدهای پرداختی، سود سهام و جز آن برخوردار است و در جهت ایجاد انگیزه بیشتر بر طبق قوانین موضوعه مزایایی برای

سرمایه‌گذارانی تولیدی خارجی، فراتر از آنچه در داخل کشور میزبان جاری است، در نظر گرفته می‌شود.

۲. مبنای ایجاد مناطق آزاد در علم توسعه

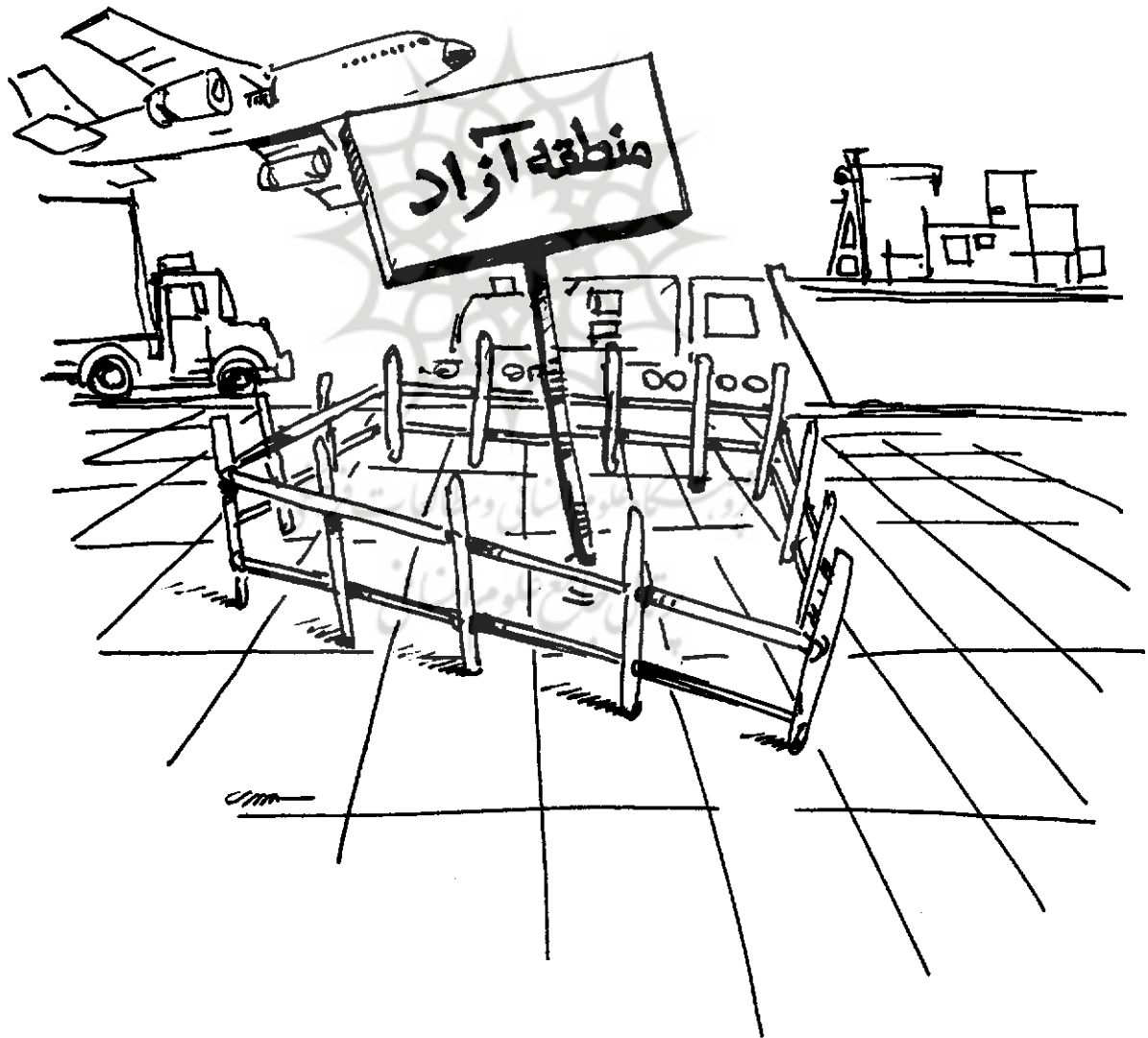
مبنای تئوریک ایجاد مناطق آزاد بر اساس سه استراتژی مهم توسعه قابل بررسی است:

۱. جایگزینی استراتژی توسعه صادرات به جای استراتژی جایگزینی واردات

۲. استراتژی تأکید بر مزیت‌های نسبی

۳. استراتژی به کارگیری تجارت

خارجی به عنوان موتور محرکه توسعه در استراتژی جایگزینی واردات کشورها به دنبال تولید کالاهایی هستند که در بازار داخلی به آن نیاز شدید وجود دارد و برای تأمین این نیاز، کشور در حال واردات آن است. این استراتژی در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه اتخاذ می‌شد. اما بعدها با شکست نسبی برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و صنعتی در این کشورها اعتبار این استراتژی مورد تردید قرار گرفت. از سوی دیگر موفقیت‌های کشورهای که استراتژی



گسترش صادرات را انتخاب کرده بودند، اعتماد نامناسب بودن استراتژی جایگزینی واردات را مورد تأیید قرار داد.

در استراتژی توسعه صادرات کشورها به دنبال نفوذ به بازارهای جهانی و تولیدی‌هایی هستند که توان رقابت با تولیدکنندگان خارجی را داشته باشد.

نتیجه عملی انتخاب این استراتژی توجه و تمرکز بر مزیت‌های نسبی داخلی در امر سرمایه‌گذاری و تولید بوده. و عنصر رقابت را عاملی برای کارآتر نمودن تولیدکنندگان داخلی می‌گرداند.

برعکس در استراتژی جایگزینی واردات تأکید اولیه بر مزیت‌های نسبی

در تولید نیست، بلکه تأکید بر تولید کالاهایی است که تقاضای داخلی به آن وجود دارد و چه بسا که کشور در تولید این کالاها مزیت نداشته باشد. در نتیجه در این استراتژی امر حمایت از این صنایع ضروری می‌گردد و همین حمایتها عموماً باعث عدم کارآیی و رقابت‌ناپذیری این بنگاهها می‌شود.

نظریه‌پردازان اقتصادی یکی از عوامل اصلی ضعف صنایع بزرگ و ناکارآیی داخلی در ایران را ناشی از جهت‌گیری نادرست اولیه در انتخاب صنایع می‌دانند که این خود ناشی از اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات در برنامه‌های چهارم و پنجم قبل از انقلاب و همچنین برنامه اول توسعه بعد از انقلاب بوده است.

حال ایجاد مناطق آزاد گامی مؤثر برای چرخش اقتصاد از استراتژی جایگزینی واردات به استراتژی توسعه صادرات می‌باشد. که در این حالت هدف تکیه بر مزیت‌های نسبی در تولیدات و بهره‌گیری از تجارت خارجی به عنوان موتور محرکه توسعه تأمین خواهد گردید.

۳. اهداف ایجاد مناطق آزاد

ایجاد مناطق آزاد می‌تواند در صورت موفقیت امتیازات زیر را برای اقتصادهای ناکارآ و بسته به ارمغان آورد.

- جذب سرمایه خارجی به ویژه در بخشهای مولد

- جذب و انتقال تکنولوژی به درون اقتصاد کشور

- ایجاد فرصتهای اشتغال در داخل کشور

- افزایش تولید و ارزش افزوده بخشهای اقتصادی بویژه بخش صنایع

- کمک به کشور برای ورود به بازارهای جهانی و آشنایی با تجارت

خارجی و گسترش و متنوع ساختن صادرات

نظریه‌پردازان اقتصادی یکی از عوامل اصلی ضعف صنایع بزرگ و ناکارآیی داخلی در ایران را ناشی از جهت‌گیری نادرست اولیه در انتخاب صنایع می‌دانند که این خود ناشی از اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات در برنامه‌های چهارم و پنجم قبل از انقلاب و همچنین برنامه اول توسعه بعد از انقلاب بوده است.

- افزایش کارآیی اقتصادی و تربیت نیروی انسانی ماهر

- افزایش درآمد کشور ناشی از فعالیت‌های خدماتی (حمل و نقل، بارگیری و تخلیه، بانکداری، بیمه‌گری و توریسم)

- کمک به ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با شرایط و قیمت مناسب‌تر کشورهای مختلف برای نیل به هدفهای فوق و موفقیت مناطق آزاد از ابزارهای مختلف تشویقی بهره

می‌گیرند و امتیازاتی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای جذب آنها به فعالیت در مناطق آزاد قرار می‌دهند که برخی از این امتیازات به قرار زیرند:

۱. حذف حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی برای ورود کالاها و مواد اولیه به منطقه

۲. اعطای انواع معافیت‌های مالیاتی

۳. آزادی کسامل ورود و خروج سرمایه و دادن تضمین‌های لازم برای برگشت اصل و سود سرمایه خارجی

۴. حذف تشویرفات و بروکراسی‌های معمول اداری و برقراری حداقل قوانین و مقررات

۵. عرضه امکانات و تسهیلات زیربنایی از جمله برق، آب، تلفن و ... به بهای نازل

۶. واگذاری و اجاره زمین به بهای نازل

۴. تاریخچه ایجاد مناطق آزاد در جهان

اولین منطقه آزاد تجاری که هدف آن تا حدی با هدفهای مناطق آزاد به مفهوم جدید آن تطابق داشت در سال ۱۸۸۸ میلادی در بندر هامبورگ ایجاد گردید. موفقیت چشمگیر این بندر ایجاد مناطق آزاد دیگر را به ویژه در اروپا سبب گردید. کپنهاک در سال ۱۸۹۴ دانزیگ (لهستان) در سال ۱۸۹۹ و بندرهای مالمو، هانگو، فیدم و تریست در اروپا، سنگاپور، هنگ کنگ و ماکائو در آسیا در زمره بنادر آزادی بودند که به تدریج تا قبل از جنگ جهانی دوم ایجاد شدند. بطور کلی تفکر حاکم بر مناطق آزاد، قبل از جنگ جهانی دوم در انبساط‌داری، انتقال کالا از یک وسیله نقلیه به وسیله نقلیه دیگر، صدور مجدد کالا و در یک جمع‌بندی کلی در تجارت خلاصه می‌شد.

در ادبیات مناطق آزاد بعد از جنگ جهانی دوم، منطقه آزاد شانون در ایرلند را که در سال ۱۹۵۹ برپا گردید به

عنوان اولین منطقه آزاد به مفهوم امروزی آن می‌شناسند. زیرا برای اولین بار جذب سرمایه خارجی، انتقال تکنولوژی و ایجاد اشتغال از هدفهای عمده منطقه آزاد شانون محسوب می‌شد.

کشورهای آسیایی از پیشگامان اصلی ایجاد منطقه آزاد در کشورهای در حال توسعه هستند و در عین حال موفق‌ترین مناطق آزاد جهان که الگوی دیگر کشورها نیز شده‌اند، در منطقه آسیا قرار دارند. هندوستان اولین کشوری بود که در بین کشورهای آسیایی در سال ۱۹۶۵ مبادرت به ایجاد منطقه آزاد (منطقه تجارت آزاد کاندلا) کرد که بعداً شش منطقه دیگر نیز بدان اضافه نمود. سنگاپور دومین کشور آسیایی است که در سال ۱۹۶۸ منطقه آزاد برپا نمود. فیلیپین منطقه باتان را در سال ۱۹۶۹ ایجاد کرد و بعداً در همین کشور شش منطقه آزاد دیگر تأسیس شد. مالزی در دهه ۱۹۷۰ ده منطقه آزاد ایجاد نمود و پس از آن کره پنجمین کشور آسیایی بود که در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ دو منطقه ماسان و ایری را تأسیس کرد.

تایلند در سال ۱۹۷۷ اولین منطقه آزاد را برپا کرد و به دنبال آن ده پارک صنعتی نیز به وجود آورد. چین در دهه ۱۹۸۰ در واقع ششمین کشوری بود که به دنبال ایجاد منطقه آزاد رفت.

هدف این کشورها از ایجاد مناطق آزاد افزایش صادرات، ایجاد فرصتهای شغلی، جلوگیری از تمرکز فعالیتها در شهرهای بزرگ، انتقال تکنولوژی و افزایش ارتباط با اقتصاد جهانی بود.

ولی آنچه که در عمل اتفاق افتاد موفقیت بعضی از این کشورها و عدم موفقیت پاره‌ای دیگر از این کشورها در نیل به اهداف فوق بود.

ارزیابی ۶۰ منطقه از ۸۶ منطقه آزاد جهان که مورد بهره‌برداری طولانی قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد که ۲۵ منطقه بطور کامل موفق بوده، ۱۰

منطقه به موفقیت نزدیک بوده‌اند ۷ منطقه تا حدودی موفق و ۱۸ منطقه به وضوح ناموفق بوده‌اند. اکثر موارد ناموفق از سالهای ۱۹۷۰ به بعد شروع به کار کرده‌اند.

از عوامل ناکامی مناطق آزاد ناموفق جهان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مکان‌یابی نادرست این مناطق
۲. ضعف مدیریت مناطق
۳. بی‌ثباتی‌های سیاسی کشور
۴. نارسایی امکانات اولیه و تأسیسات

منطقه آزاد، منطقه‌ای از قلمرو کشور است که خارج از محدوده فیزیکی و قانونی و اداری تأسیسات گمرکی قرار دارد، به طوری که ورود و خروج سرمایه و سود آن و به جا به جایی نیروی کار مشخص در منطقه به سهولت صورت می‌گیرد و کالاها و مواد خارجی که منع قانونی نداشته باشند را می‌توان بدون هرگونه مانع گمرکی، ترانزیت در انبارهای آن نگاهداری کرد و یا در کارخانه‌های مستقر در آن تغییر شکل داده و به کالاهای دیگر تبدیل کرد.

زیربنایی

۵. عوامل بازدارنده فرهنگی، اجتماعی
۶. ضعف و بی‌ثباتی قوانین
۷. عدم وجود مزیت‌های نسبی برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و از عوامل موفقیت مناطق نیز می‌توان مکان‌یابی صحیح، حذف تشریفات زاید و قوانین دست و پاگیر و ایجاد امکانات زیربنایی و خدمات اولیه لازم و مساعد بودند فضای فرهنگی و اجتماعی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی را نام برد.

۵. تاریخچه ایجاد مناطق آزاد در ایران

بر اساس قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به دولت اجازه داده شد که با استفاده از مناطق آزاد تجاری - صنعتی به ایجاد صنایع و انتقال تکنولوژی کمک نموده و صادرات کشور را افزایش دهد. این امر قرار بود با فراهم کردن مناطق فارغ از قوانین و مقررات دست و پاگیر دولتی که می‌توانست شرایط مناسبی را بر جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارج مهیا سازد، انجام گیرد. از سوی دیگر پیش‌بینی صادرات غیرنفتی ۱۷/۸ میلیارد دلار در طول پنج سال اجرای برنامه با توجه به اینکه توان صادراتی کشور بسیار محدود بود، ضرورت ایجاد مناطق آزاد را بیش از پیش مورد تأکید قرار داد. به ویژه اینکه کشور از نظر امکانات طبیعی و تسهیلات اقتصادی از مزیت‌های نسبی قابل توجهی برخوردار بود.

ایران بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر در جنوب کشور مرز آبی دارد که این خود کشور را از قابلیت ویژه‌ای برای مبادلات و داد و ستدهای بین‌المللی برخوردار می‌گرداند. علاوه بر این ایران در موقعیت استراتژیک اتصال چندین ناحیه مهم جهانی به یکدیگر و نزدیکی به آبراه‌های بین‌المللی قرار دارد و می‌تواند حلقه اتصال آسیای مرکزی به آبهای گرم اقیانوس هند و شبه قاره هند به آسیای غربی و قفقاز و حوزه مدیترانه و اروپا باشد. همچنین برخوردار از تنوع و حجم تولید و ذخایر طبیعی و معدنی عاملی است که ایران را دارای موقعیت ویژه برای ایجاد مناطق آزاد موفق می‌گرداند.

بنا به دلایل فوق و بر اساس تبصره ۱۹ قانون برنامه اول توسعه، دولت مناطق کیش، قشم و چابهار را به عنوان منطقه آزاد اعلام کرد.

در واقع هدف اصلی مجلس شورای اسلامی در تصویب این قانون افزایش صادرات غیرنفتی کشور بود. زیرا که میزان صادرات غیرنفتی کشور از سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ مجموعاً ۲/۸ میلیارد دلار شده بود که به هیچ وجه نمی‌توانست سهم قابل توجهی در تأمین ارز برای واردات بالای کشور را داشته باشد.

بعدها به دلیل نارسا بودن تبصره ۱۹ و عدم تبیین نحوه اداره مناطق آزاد به ناچار دولت لایحه‌ای را در این زمینه تقدیم مجلس نمود که این لایحه در شهریور ماه ۱۳۷۲ به تصویب مجلس رسید. در ماده یک این قانون، علاوه بر تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی، هدفهای دیگری نظیر اشتغال سالم و مولد، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، حضور فعال در بازارهای جهانی و بالاخره توسعه منطقه‌ای نیز به عنوان دلایل ایجاد مناطق آزاد فهرست شده بود.

و بدین ترتیب مناطق آزاد کیش، قشم و چابهار که به ترتیب در سالهای ۱۳۶۸، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ فعالیت خود را آغاز کرده بودند بر مبنای قانون جدید فعالیت خود را ادامه دادند. قانونی که مطابق آن، مشوقهای قانونی برای فعالیت در مناطق آزاد ایران تعیین گردیده بود. اخیراً نیز شورای تشخیص مصلحت تسهیلات ویژه‌ای را در زمینه فعالیت بانکی و مؤسسات اعتباری و همچنین سیاستهای ارزی در مناطق آزاد به تصویب رسانیده است، که بر اساس این تسهیلات بنظر می‌رسد نقص قوانین و مقررات مورد نیاز در مناطق آزاد مرتفع گشته باشد. بر اساس مقررات جدید در حال حاضر امتیازات و تسهیلات اعطایی برای فعالیت در مناطق آزاد ایران به قرار زیر است:

۱. امکان ورود کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی به منطقه در مناطق آزاد وجود دارد.

۲. برخورداری از معافیت گمرکی برای ورود کالاهای ساخته شده در منطقه به داخل کشور به میزان ارزش افزوده شامل حال کالاهای ساخته شده در منطقه آزاد می‌گردد.

۳. امکان ترانزیت و هندور مجدد کالا وجود دارد.

۴. امکان مشارکت و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به هر نسبت ممکن است.

۵. تضمین کامل سرمایه‌های خارجی و سود حاصل از آنها بر طبق قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و نیز بر طبق قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی امکان دارد.

۶. آزادی کامل ورود و خروج سرمایه در منطقه آزاد وجود دارد.

۷. معافیت مالیاتی از نظر درآمد و دارائی تا ۱۵ سال وجود دارد.

۸. امور بانکی، پولی و ارزی تابع مقررات مناطق آزاد است (که از مقررات سرزمین اصلی بسیار سهل‌تر و مناسبتر است)

۹. تشریفات و مقررات اداری برای صدور مجوز طبق مقررات مناطق آزاد صورت می‌گیرد (که بسیار آسانتر از مقررات داخلی است)



۱۰. مقررات کار و بیمه‌های اجتماعی در استخدام اتباع خارجی طبق مقررات خاص مناطق آزاد است. (که از قوانین داخلی آزادی بیشتری اعطا می‌کند)

۱۱. ثبت شرکتها، مالکیت‌های معنوی و وسایط حمل و نقل دریایی و هوایی وجود دارد.

۱۲. خرده‌فروشی کالا برای اتباع خارجی و داخلی امکان‌پذیر است.

۱۳. مقررات ویزا برای اتباع بیگانه بر اساس مقررات خاص منطقه است (که بسیار آسانتر از قوانین داخلی است)

۱۴. فروش و اجاره زمین به اتباع داخلی و فقط اجاره به اتباع خارجی ممکن است.

۶ عملکرد مناطق آزاد ایران از آغاز تاکنون

علی‌رغم گذشت حدود پنج سال از تصویب ایجاد مناطق آزاد و صرف هزینه‌های فراوان، متأسفانه این مناطق در نیل به اهداف موردنظر، ناموفق بوده‌اند. برای اثبات ادعای خود وضعیت موجود مناطق را از نظر درآمدها، هزینه‌ها، صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری بررسی می‌نماییم.

۶-۱. درآمدها و مخارج مناطق آزاد

عمده‌ترین منابع تأمین درآمد سازمانهای مناطق در سنوات گذشته درآمد حاصل از عوارض ورود کالا و فروش کارت مسافری بوده و امروزه علاوه بر منبع فوق، درآمد حاصل از فروش زمین مهمترین منبع درآمد مناطق آزاد را تشکیل می‌دهد. فروش بی‌رویه زمین توسط سازمانهای مناطق دارای چند اشکال است:

اولاً؛ فروش اراضی سازمانها بدون برنامه بوده و مبتنی بر طرح جامع و طرح کالبدی آنها نمی‌باشد، چون طرح‌های این سازمانها هنوز به تصویب شورای عالی وزیران نرسیده

است.
ثانیاً؛ اراضی واگذار شده بدون فراهم نمودن امکانات اولیه زیربنایی نظیر آب و برق واگذار شده‌اند که این امر در آینده سازمان‌ها را با تعهدات فراوانی روبرو خواهد ساخت.

ثالثاً؛ پس از اتمام اراضی سازمانها، بازار خرید و فروش کاذب زمین در بین واسطه‌ها شکل خواهد گرفت و این امر سبب تحمیل قیمت‌های گزاف به سرمایه‌گذاران واقعی خواهد شد.

از سوی دیگر تأمین بخش عمده‌ای از هزینه‌های منطقه از طریق عوارض ورود کالا و فروش کارت مسافری امری است که موجب تغییر جهت هدف اصلی مناطق، صادرات به سوی واردات گردیده است که به این مسئله در قسمت بعدی مقاله (انتقادات) پرداخته خواهد شد. در مورد هزینه‌های جاری، عمرانی و قراردادهای سازمانها

با توجه به اینکه گزارش حسابرسی سازمانها در خصوص ریزه‌زینه‌های جاری، عمرانی و نحوه انعقاد قراردادهای پیمانهای سازمانها در دست نیست، لذا اظهارنظر در خصوص موارد مذکور امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۳-۳-۶. گزارش حسابرسی و بازرسی قانونی^۲

۱-۳-۶. سازمان منطقه آزاد کیش این سازمان به استثنای گزارش سه ماهه آخر سال ۱۳۷۲ و گزارش سال ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ خود گزارش حسابرسی دیگر سالها را ارائه ننموده است. سه گزارش ارائه شده مذکور نیز همگی از نوع عدم اظهارنظر^۳ است که بدترین نوع گزارش می‌باشد.

۲-۳-۶. سازمان منطقه آزاد قشم این سازمان علیرغم تأکید مصوبات شورای عالی مناطق آزاد، اساسنامه مربوطه، قرارداد حسابرسی

با سازمان حسابرسی منعقد نکرده است. شرکت‌های تابعه این سازمان نیز تاکنون گزارش حسابرسی خود را ارائه ننموده‌اند.

۳-۳-۶. سازمان منطقه آزاد چابهار این سازمان فقط گزارش سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ را ارائه نموده است که نظر حسابرسان عدم اظهارنظر بوده است.

بررسی گزارشهای سازمانها و شرکت‌های تابعه مناطق آزاد حاکی از بهم ریختگی اوضاع و نامطلوب بودن عملکرد آنها می‌باشد. در این مورد علاوه بر ایجاد اجبار جهت وادار کردن مناطق برای ارائه گزارشهای حسابرسی، بر مبنای گزارشات حسابرسی قبلی باید موارد ابهام را بررسی و در صورت لزوم پیگیری قضایی نمود.

۴-۳-۶. جذب سرمایه‌گذاران خارجی

همان گونه که ذکر کردیم یکی از اهداف اصلی ایجاد مناطق آزاد جذب سرمایه‌ها و خارجی جهت بهره‌برداری از مزایای ناشی از آن می‌باشد.

متأسفانه در این زمینه مناطق توفیقی نداشته‌اند. کیش و چابهار اصلاً توان جذب سرمایه خارجی را نداشته‌اند و قشم مدعی است که تاکنون ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه خارجی جذب نموده است اگرچه این میزان در عمل چندان مشهود نیست ولی در صورت صحت نیز نوع سرمایه‌گذاریها از نوع آلاینده می‌باشد که نتایج سایر فعالیتهای انجام شده در قشم همچون ایجاد مرکز بیوتکنولوژی خلیج فارس را زایل خواهد ساخت.

۵-۳-۶. جذب سرمایه‌های داخلی

متأسفانه اکثر سرمایه‌های جذب شده داخلی در مناطق آزاد در زمینه اموری نظیر ساخت بازار ساخت غرفه و واردات کالا بکار گرفته شده است که

این خود سبب تشدید واردات کالا می‌گردد، چرا که به دلیل سرمایه‌گذاری‌های عمده در زمینه ساخت بازار و غرفه ظاهراً واردات کالا همواره باید ادامه یابد و این مغایر با هدف اصلی ایجاد منطقه آزاد، یعنی توسعه صادرات (نه دریاچه‌ای برای واردات) می‌باشد.

۶-۳-۶. اشتغال

میزان اشتغال ایجاد شده در مناطق مذکور با توجه به عدم حضور سرمایه‌گذاران خارجی و کمبود سرمایه‌گذاران داخلی در زمینه‌های تولیدی و اشتغالزا محدود بوده و قابل مقایسه با مناطق آزاد موفق جهان نمی‌باشد.

۷-۳-۶. واردات کالا

میزان واردات کالا به داخل کشور از طریق مناطق آزاد طی سالهای ۷۱ تا ۷۵ توسط سازمانهای مختلف مناطق حدود ۲/۵ میلیارد دلار اعلام شده است، این رقم بر مبنای تعداد کارت مسافری فروش رفته و به ازای هر کارت ۱۶۰ دلار محاسبه شده و ممکن است با نظر گمرک متفاوت باشد، با توجه به اینکه اکثر مسافریین حدود ۲۵۰ دلار کالا همراه خود وارد کشور می‌نمایند که برای ۹۰ دلار مازاد بر ۱۶۰ دلار کارت خود، کارت دیگری گرفته نمی‌شود و با در نظر گرفتن بخشی از مسافران که زیر ۸۰ دلار خرید می‌نمایند و نیاز به کارت ندارند و با احتساب تخمینی قاچاق کالا از این مناطق به داخل کشور، به نظر می‌رسد که از سال ۷۱ تا ۷۵ حداقل حدود ۵ میلیارد کالا از مناطق به داخل کشور وارد شده است.

ادامه دارد